



امرالله صالح:

## دو دختر که از افراد مشهور در کابل باج‌گیری می‌کردند، بازداشت شدند

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری می‌گوید که پولیس حوزه‌ی سوم امنیتی شهر کابل دو دختر خانمی را...

صفحه ۲

رییس‌جمهور غنی:

## حکومت تسهیلات لازم را برای برگزاری چهار انتخابات فراهم می‌کند

صفحه ۲

## ضرورت رسمی‌سازی تشبثات کوچک و متوسط در اقتصاد کشور



صفحه ۸

## انواع نود و پنج‌گانه‌ی صلح | طنز

صفحه ۸

یادداشت روز

## پیشنهادات پارلمان حرف شهروندان است

در نشست روز شنبه مجلس نمایندگان برای بار دوم بودجه سال ۱۴۰۰ را رد کرد. دلیلی که اعضای مجلس براساس آن بودجه را برای دومین بار رد کردند، جدی و نگران‌کننده است. نمایندگان مدعی شدند که حکومت پس از رد سند بودجه در دور اول نه‌تنها اصلاحات لازم را در آن نیاورده بلکه دو تخطی جدید نیز در آن اضافه شده است. واقعیت همین است که حکومت افغانستان به نکات اصلاحی مجلس بی‌توجهی کرده است. واقعیت انکارناپذیر دیگر این است که دلایلی که مجلس برای رد سند بودجه دارد، قانونی، منطقی و درست است. زیرا همه‌ساله سند بودجه‌ی مالی که حکومت به مجلس می‌فرستد با ملاحظات جدی مواجه است.

در سال‌های گذشته، اعضای مجلس در مورد سند بودجه اعتراض‌ها، ملاحظات و پیشنهاداتی را مطرح کرده اما هرگز سند بودجه براساس معیارهای استاندارد و ضرورت افغانستان تهیه و تصویب نشده است. تنها کاری که حکومت در سال‌های گذشته کرده با وارد کردن تغییرات اندک و جزئی از مجلس نمایندگان رأی تصویب گرفته و...

۲



© Rahman Gul/Picture alliance

## دو قاضی زن توسط افراد مسلح ناشناس در شهر کابل ترور شدند

صفحه ۲

## کمپین خانه‌به‌خانه واکسین پولیو در سه ولسوالی هرات تطبیق نمی‌شود

اطلاعات روز - هرات: مسئولان محلی در ولایت هرات می‌گویند که کمپین خانه‌به‌خانه واکسین پولیو در سه ولسوالی این ولایت به دلیل...

صفحه ۲



## ربایندگان رییس زندان هرات بازداشت شدند

صفحه ۲

ترجمه

## گولاک چین؛ داستان یک بازمانده

این شرکت به‌سر می‌بردم. تلفن قطع و وصل شد. به سختی می‌توانستم صدایی بشنوم. مردی که پشت خط بود گفت: «شما باید برای امضای اسناد بازنشستگی‌تان به کارامای برگردید، خانم هائیتیواجی». کارامای شهری در | صفحه ۴

گزارش



## «وعده‌های سر خرمن»؛ بند کمال‌خان تا پایان امسال افتتاح می‌شود؟

رییس‌جمهور غنی در یک سال، دو بار وعده کرد که بند کمال‌خان را در جنوب کشور افتتاح خواهد کرد؛ اما تاکنون با گذشت ماه‌ها این وعده عملی نشده است. محمدشرف غنی، رییس‌جمهوری کشور، | صفحه ۳

## چهار مریض کووید ۱۹ در یک شبانه‌روز گذشته در افغانستان جان داده‌اند

صفحه ۲



تحلیل

## چهره افغانستان در مجموعه داستان «انجیرهای سرخ مزار»

مجموعه داستان «انجیرهای سرخ مزار»، نوشته‌ی محمدحسین محمدی، زمستان سال ۱۳۸۳ در تهران چاپ شد. این مجموعه داستان برنده‌ی «جایزه‌ی ادبی گلشیری به‌عنوان بهترین مجموعه داستان اول سال ۱۳۸۴»، «برنده سومین دوره‌ی جایزه ادبی اصفهان ۱۳۸۴» و «برنده‌ی جایزه‌ی صلح افغانستان در سال ۱۳۸۷» شده است. همچنین، این مجموعه داستان چند سال قبل در جشنواره بین‌المللی خاورمیانه و آفریقا در شهر فلورانس ایتالیا نیز جایزه گرفته است.

کتاب از چهارده داستان عمدتاً کوتاه تشکیل شده است که به ترتیب عبارت‌اند از: «مردگان»، «عبدل بیتل آمده بود این‌جا بیدار نشوند»، «الله‌الله»، «فاتیا»، «ما را هم می‌کشند»، «کنجینی»، «انجیرهای سرخ مزار»، «پری دریایی»...

۳



## بسته‌های ویژه اینترنتی برای بلاک‌های ره‌آیشی و خانه‌های انفرادی



هرگز هم در قبال چگونگی مصرف بودجه پاسخگویی لازم را نداشته است. زیرا پیش از این، هم حکومت و هم مجلس نمایندگان در تدوین و تصویب سند بودجه برخورد‌های سطحی و غیرمسئولانه کرده است.

اولین بار است که سند بودجه دوبار رد می‌شود. واکنش شهروندان به قاطعیت مجلس توأم با خوشحالی و امیدواری است. دلیل مردم برای خوشحالی و امیدواری این است که تاکنون برخورد مسئولانه با سند بودجه وجود نداشته است که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سند مالی دولت است و چگونگی تدوین، تصویب و اجرای آن، بر همه‌ی عرصه‌های زندگی شهروندان تأثیرگذار است. به‌طور قاطع پیش از این مجلس و حکومت در برخورد با مهم‌ترین سند مالی افغانستان به قول معروف «کلوخ‌گذاشتن و از آب گذشتن است.» انتظار مردم از پارلمان برخورد قاطع با کاستی‌های سند بودجه‌ی ملی است و خانه ملت نباید از تأکید روی تعدیل چند بخش مهم بودجه کوتاه بیاید یا در دام مسأله‌ی برخورد انفرادی بیفتد. بنابراین، شورای ملی باید نقش نظارتی خود را در چگونگی تهیه طرح بودجه و نیز مصرف آن پس از تصویب به اثبات برساند.

مطالبات، اعتراض‌ها و پیشنهادات مطرح‌شده از طرف مجلس نمایندگان در خصوص مسوده‌ی پیشنهادی بودجه توسط حکومت برای سال مالی ۱۴۰۰، برخلاف سال‌های قبل، اساسی و تعیین‌کننده و درخور توجه است و در صورت برآورده‌شدن گام مهمی برداشته شده است. پیش از این به‌طور مطلق رعایت عدالت و توازن در بودجه‌ی انکشافی ولایات نادیده گرفته شده، درحالی‌که ماده ۶ قانون اساسی حکومت را مکلف به انکشاف متوازن میان ولایت‌ها می‌کند. درخواست توازن در معاشات کارمندان خدمات ملکی منطقی و قابل دفاع است. کابینه افغانستان دو سال پیش طرح همسان‌سازی معاش کارمندان دولتی را در کلیت تصویب کرد. با گذشت دو سال هنوز این طرح میان ادارات سرگردان است. معاش کارمندان دولتی به‌شدت نابرابر است. پایین‌ترین معاشی که به یک کارمند پرداخت می‌شود پنج هزار افغانی است، اما مقام‌های بلندرتبه یا مافوق رتبه تا بیش از چهارصدهزار و پنج‌صدهزار افغانی نیز دریافت می‌کنند.

بازنگری در بودجه‌ی واحد عملیاتی ارگ ریاست‌جمهوری که فقط به رییس‌جمهور پاسخگو است، حذف یا دست‌کم کاهش سقف بودجه‌ی کدهای احتیاطی، شفافیت در چگونگی مصرف از این کدها نیاز است. اختصاص بودجه زیاد به کد ۹۱ و ۹۲ که صلاحیت استفاده از آن به رییس‌جمهوری برمی‌گردد، فسادزا است. دو سال است که روزنامه اطلاعات چگونگی مصرف کد ۹۱ را بررسی می‌کند. یافته‌های گزارش به‌طور قطع نشان‌دهنده‌ی استفاده ناصواب از بودجه ملی توسط حکومت است که به باور نهادهای نظارتی مصداق بارز فساد است.

در ماه‌های اخیر رویارویی پارلمان و حکومت بیشتر شده است. نگاه حکومت به مجلس از بالا به پایین است. منطقی این است که حکومت نباید پیشنهادات قانونی و درست مجلس را از عینک تقابل ببیند. حکومت باید به صلاحیت برحق و قانونی مجلس مبنی بر رد یا تصویب سند بودجه احترام گذاشته و به مطالبات برحق و مسئولانه‌ی این نهاد پاسخ مثبت دهد، نه جواب سر بالا. زیرا جنجال و کشمکش و در نتیجه تأخیر در تصویب بودجه ملی از یک طرف پیامد مالی سنگینی بر معیشت شهروندان به همراه دارد و از سوی دیگر، این تقابل حکومت را بیشتر از هر نهاد دیگری، زمین‌گیر خواهد کرد. هم‌اکنون معاش کارمندان دولتی معطل تصویب بودجه جدید است.

اطلاعات روز: دادگاه عالی کشور تأیید می‌کند که دو قاضی زن توسط افراد مسلح ناشناس در مربوطات ناحیه‌ی دهم شهر کابل ترور شده‌اند. احمدفهم قویم، سخن‌گوی دادگاه عالی به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد صبح دیروز (یک‌شنبه، ۲۸ جدی) در «قلعه‌ی فتح‌الله»، از مربوطات ناحیه‌ی دهم شهر کابل رخ داده است. او گفته است که در این رویداد، راننده‌ی

این قاضیان زن نیز زخمی شده است. پیشتر فردوس فرامرز، سخن‌گوی فرماندهی پولیس کابل گفته بود که این رویداد در سرک دهم قلعه‌ی فتح‌الله رخ داده است. تاکنون کسی در پیوند به این رویداد بازداشت نشده است. همچنان شخص و یا گروهی هنوز مسئولیت آن را به عهده نگرفته است. ارگ ریاست‌جمهوری اما با نشر اعلامیه‌ای آن را به‌صورت ضمنی به گروه طالبان

نسبت داده است. در اعلامیه ضمن محکومیت این حمله آمده است که این گونه حمله مخالف ارشادات اسلامی و روحیه صلح بوده و در تضاد با اجماع ملت افغانستان می‌باشد. ارگ ریاست‌جمهوری گفته است که «زور»، «ترور»، «وحشت» و «جنایت» راه‌حل مشکل نیست و از گروه طالبان خواسته است که با پذیرش آتش‌بس دائمی اراده‌ی عملی خود را در رابطه به صلح نشان دهد.

راس ویلسن، سرپرست سفارت امریکا در کابل و الیسون بلک سفیر بریتانیا در کابل این حمله را محکوم کرده و خواستار شناسایی عاملان آن شده‌اند. سرپرست سفارت امریکا این حمله را به طالبان نسبت داده و گفته است: «طالبان باید بدانند چنین اعمالی که این گروه مسئول آن است، جهان را خشم‌گین می‌کند و اگر قرار است که صلح به افغانستان بیاید، باید متوقف شود.»

### چهار مریض کووید۱۹ در یک شبانه‌روز گذشته در افغانستان جان داده‌اند

ناشی از کرونا در کشور به ثبت رسیده است. این تعداد افراد در ولایت‌های هرات و فراه به دلیل ابتلا به کووید۱۹ جان باخته‌اند. شمار مجموعی فوتی‌های ناشی از مرضی کووید۱۹ در افغانستان تا دیروز به دوهزار و ۳۴۳ نفر افزایش یافته است. همچنان، در یک شبانه‌روز گذشته ۴۰۳ مریض کووید۱۹ در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، تخار، پکتیا، پروان، بدخشان و هلمند بهبود یافته‌اند. به این ترتیب، شمار بهبودیافتگان ویروس کرونا در کشور به ۴۵ هزار و ۸۶۸ نفر افزایش یافته است.

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که در بیست‌وچهار ساعت گذشته ۱۵۸۴ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا را تست کرده است که نتایج آزمایش ۸۱ نمونه‌ی آن مثبت تشخیص شده است. این تعداد موارد مثبت کرونا در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، ننگرهار، تخار، بغلان، قندوز، بدخشان، کاپیسا، لغمان، کنر و خوست به ثبت رسیده است. با ثبت این رویدادها، شمار مجموعی مبتلایان به ویروس کرونا در افغانستان از نخستین روز شیوع این ویروس تاکنون به ۵۴ هزار و ۶۲ نفر رسیده است. براساس معلومات وزارت صحت عامه، در بیست‌وچهار ساعت گذشته چهار مورد مرگ

### امرالله صالح:

## دو دختر که از افراد مشهور در کابل باج‌گیری می‌کردند، بازداشت شدند

و نادم استم. در آن زمان خطر کرونا را درست درک کرده نمی‌توانستیم و ترس ما این بود که نشود زندان به محل مرگ‌های دسته‌جمعی تبدیل گردد.» او تأکید کرده است که در حال حاضر مشکل افراد مسلح در ناحیه‌های مختلف شهر کابل کاهش یافته است. این درحالی است که صبح دیروز موتر حامل چهار قاضی زن در مربوطات ناحیه‌ی دهم شهر کابل هدف تیراندازی افراد ناشناس قرار گرفت که در نتیجه دو تن از این قاضیان کشته شدند.

حضور زنان در بخش‌های عدلی و قضایی و همچنان در صفوف پولیس کم است. این عدم تعادل دسترسی دولت را از دید تحقیقات و رسیدگی به مسایل جرمی و حقوقی به نیم جامعه محدود کرده و در بسا موارد کاملاً مسدود ساخته است.» از سوی هم، امرالله صالح گفته است که برخی از «مجرمین متکرر» که وضعیت را در شماری از ناحیه‌های شهر کابل خراب کرده‌اند، کسانی اند که به بهانه‌ی کرونا بخشیده شدند. صالح نوشته است: «من ازین عفو پیشمان

را تهدید می‌کردند که اگر برای‌شان پول ندهند، به خانواده‌های آنان و نیز به کمیسیون حقوق بشر شکایت می‌کنند که بالای‌شان دست‌اندازی کرده‌اند. طبق گفته‌های صالح، شماری از مردان مجبور می‌شدند که به‌خاطر حفظ عزت و آبروی خود و گریز از هر گونه جنجال احتمالی به این دو دختر پول بدهند. به گفته‌ی او، سال‌ها به این قضیه هیچ رسیدگی نمی‌شد. معاون اول ریاست‌جمهوری گفته است: «یکی از معضلات بزرگ این است که

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری می‌گوید که پولیس حوزه‌ی سوم امنیتی شهر کابل دو دختر خانمی را که با لباس‌های مفسن از افراد نیک‌نام و مشهور باج‌گیری می‌کردند، بازداشت کرده است. آقای صالح صبح دیروز (یک‌شنبه، ۲۸ جدی) در صفحه‌ی رسمی فیس‌بوک خود نوشته است که این دو دختر براساس هدایت مستقیم جلسات شش‌ونیم صبح میثاق امنیتی کابل بازداشت شده‌اند. صالح افزوده است که این دو دختر مردان

### ریایندگان رییس زندان هرات بازداشت شدند

از چنگ آنان آزاد شد. آدم‌ربایی در هرات در چند ماه گذشته افزایش نگران‌کننده داشته است. فرمانده پولیس هرات گفت که در جریان سال جاری ۱۸ نفر در هرات ربوده شده که از این میان، ده نفر آنان با پرداخت پول و پنج نفر دیگرشان با همکاری نیروهای امنیتی آزاد شده‌اند. یک داکتر که دو روز پیش از چنگ آدم‌ربایان نجات داده شد، نیز از جمله‌ی این افراد اند. او ۲۰ روز در قید آدم‌ربایان بود و با وساطت فامیلیش از چنگ آنان آزاد شد. همچنان سه نفر دیگر نیز هنوز در قید آدم‌ربایان اند.

اطلاعات روز-هرات: منابع امنیتی در ولایت هرات از بازداشت یک گروه پنج نفری آدم‌ربایان در ولسوالی گذره‌ی این ولایت خبر می‌هند. سلطان داوود، فرمانده پولیس هرات دیروز (یک‌شنبه، ۲۸ جدی) درصحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که اعضای این گروه آدم‌ربایان دو شب پیش از ساحه «دل‌آباد» ولسوالی گذره بازداشت شده‌اند. آقای داوود افزود که این افراد در سه مورد آدم‌ربایی در هرات دست داشته و در ازای رهایی ربوده‌شدگان بیش از ۷۰ میلیون افغانی پول دریافت کرده‌اند. امرالله نوززی، مدیر فعلی زندان هرات نیز دو سال پیش (۱۳۹۷ خورشیدی) توسط آنان ربوده شده بود، که پس از پرداخت مبلغ ده میلیون افغانی،

### رییس‌جمهور غنی:

## حکومت تسهیلات لازم را برای برگزاری چهار انتخابات فراهم می‌کند

این کمیسیون گرفته شده است. انتخابات پارلمانی گذشته در ۳۳ ولایت کشور با چهار سال تأخیر در ماه میزان سال ۱۳۹۷ برگزار شد. اما انتخابات پارلمانی غزنی به‌دلیل اختلاف‌ها روی شیوه‌ی برگزاری انتخابات تاکنون برگزار نشده است. پس از آن قرار بود که این انتخابات و انتخابات شوراهای ولسوالی هم‌زمان با انتخابات ریاست‌جمهوری در سال گذشته‌ی خورشیدی برگزار شود که بازم به تأخیر افتاد.

این درحالی است که کمیسیون مستقل انتخابات در ۲۹ قوس به حکومت پیشنهاد کرده بود که انتخابات پارلمانی ولایت غزنی، شوراهای ولایتی و تعدادی از شهرداری‌ها در ماه میزان سال آینده‌ی خورشیدی (۱۴۰۰) برگزار شود. حواعلم نورستانی، رییس کمیسیون انتخابات در آن زمان در یک نشست خبری همچنان گفته بود که تمامی آمادگی‌های فنی و عملیاتی برای برگزاری این انتخابات ها در ماه میزان سال آینده توسط

به نقل از خبرنگار، کمیشنران کمیسیون مستقل انتخابات طرح‌ها و برنامه‌های این کمیسیون را ارائه کرده و به‌خاطر برگزاری چهار انتخابات یادشده اعلام آمادگی کرده‌اند. طبق خبرنگار، رییس‌جمهور غنی گفته است که به‌خاطر تعقیب عملی این طرح‌ها و برنامه‌ها، با وزارت‌ها و ادارات مربوطه جلسات نوبتی دوامدار صورت می‌گیرد و براساس تقسیم‌اوقات واضح، کارها تعقیب خواهد شد.

اطلاعات روز: رییس‌جمهور اشرف غنی در دیدار با کمیشنران کمیسیون مستقل انتخابات گفته است که حکومت به اصل انتخابات متعهد است و تسهیلات لازم را برای برگزاری انتخابات شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی، شهرداری‌ها و انتخابات پارلمانی در ولایت غزنی فراهم می‌کند. ارگ ریاست‌جمهوری در خبرنگارهای گفته است که این دیدار قبل از ظهر دیروز (یک‌شنبه، ۲۸ جدی) در قصر گل‌خانه‌ی ارگ انجام شده است.

### کمپین خانه‌به‌خانه واکسین پولیو در سه ولسوالی هرات تطبیق نمی‌شود

که شماری از کودکان در ولسوالی‌های شیندند، کشک کهنه و گلران از واکسین محروم بمانند. پیش از این، مسئولان صحی در هرات گفته بودند که در دور قبلی تطبیق واکسین پولیو، ۴۰ درصد کودکان در زون غرب کشور از این واکسین محروم مانده اند. دور قبلی تطبیق واکسین پولیو در دهم قوس سال جاری آغاز شده بود. آقای رحمانی می‌گوید که در این دوره حدود سه هزار کارمند کمپین تطبیق واکسین پولیو را بر عهده دارند. در جریان سال جاری در ولایت هرات دو مورد مثبت پولیو در ولسوالی‌های پشتون زرغون و شیندند به ثبت رسیده است. آمار مجموعی موارد مثبت پولیو در جریان سال جاری در غرب کشور به ۸ نفر و در سطح کشور به بیش از ۵۰ نفر رسیده است.

اطلاعات روز - هرات: مسئولان محلی در ولایت هرات می‌گویند که کمپین خانه‌به‌خانه واکسین پولیو در سه ولسوالی این ولایت به دلیل تهدیدات امنیتی تطبیق نخواهد شد. نوراحمد حیدری، معاون والی هرات دیروز (یک‌شنبه، ۲۸ جدی) به روزنامه اطلاعات روز گفت که در ولسوالی‌های شیندند، کشک کهنه و گلران به دلیل حضور طالبان این کمپین به‌گونه‌ی خانه‌به‌خانه تطبیق نخواهد شد. آقای حیدری افزود که دور تازه‌ی کمپین واکسین پولیو از امروز برای مدت پنج روز در مرکز و ولسوالی‌های هرات به‌گونه خانه‌به‌خانه تطبیق خواهد شد. در همین حال، مسئولان صحی در هرات می‌گویند در این دوره‌ی پنج روزه، ۶۵۶ هزار کودک زیرپنج سال واکسین پولیو دریافت خواهند کرد. عبدالوحد رحمانی، مسئول تطبیق واکسین پولیو در هرات می‌گوید، نگرانی وجود دارد

مجموعه داستان «انجیرهای سرخ مزار»، نوشته‌ی محمدحسین محمدی، زمستان سال ۱۳۸۳ در تهران چاپ شد. این مجموعه داستان برنده‌ی «جایزه‌ی ادبی گلشیری به‌عنوان بهترین مجموعه داستان اول سال ۱۳۸۴»، «برنده‌ی سومین دوره‌ی جایزه‌ی ادبی اصفهان ۱۳۸۴» و «برنده‌ی جایزه‌ی صلح افغانستان در سال ۱۳۸۷» شده است. همچنین، این مجموعه داستان چند سال قبل در جشنواره بین‌المللی خاورمیانه و افریقا در شهر فلورانس ایتالیا نیز جایزه گرفته است. کتاب از چهارده داستان عمدتاً کوتاه تشکیل شده است که به ترتیب عبارت‌اند از: «مردگان»، «عبدل بیتل آمده بود این‌جا بمیرد»، «بچه‌ها بیدار نشوند»، «الله‌الله»، «فاتیا»، «ما را هم می‌کشند»، «کنجی»، «انجیرهای سرخ مزار»، «پری دریایی»، «شب باد و باران»، «... و باران می‌بارد»، «دشت لیلی»، «شب مه»، «سگ‌ها تا صبح می‌جفند». روی‌هم‌رفته تم اصلی این مجموعه داستان را موضوعات اجتماعی به خود اختصاص داده است. اما از آن جایی که بررسی تمام این داستان‌ها فرصت بیشتر می‌طلبد من تلاش می‌کنم با نگاه کلی و تأکید بیشتر بر روی داستان «دشت لیلی» نکاتی را این‌جا تذکر بدهم.

«روایت» به جای «نظریه»

ریچارد رورتی در مقاله‌ی «هایدگر، کوندرا و دیکنز» وضعیت خیالی‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن قاره اروپا به نابودی کشانده می‌شود. هم‌زمان با آن مردمانی از قاره‌های آسیا و افریقا را در نظر می‌آورد که برای شناخت اروپا بعد از چندصد سال تلاش می‌کنند تا چهره‌ی واقعی‌تر از اروپای نابودشده را ترسیم کنند. قبل از آن اما رورتی یک امکان را در نظر می‌گیرد: قبل از نابودی شما می‌توانید مقداری کتاب فلسفی و رمان را در جایی پنهان کنید تا بعداً به کمک آن‌ها بتوانید شناخت واقعی‌تر از اروپا داشته باشید. بعد رورتی ادعا می‌کند که کتاب‌های رمان و داستان می‌تواند بهتر از کتاب‌های فلسفی به ما کمک کند تا چهره واقعی‌تر از اروپای نابودشده را ترسیم کنیم. او می‌نویسد «اگر آسیایی‌ها و آفریقایی‌های تخیلی من بنا به دلایلی ناچار بودند که فقط آثار یکی از این دو هایدگر و چارلز دیکنز را نگه دارند، من بیشتر ترجیح می‌دادم آثار دیکنز حفظ شود، چرا که دیکنز می‌توانست بسیار بیش از هایدگر یا هر فیلسوف دیگری به آنان در دستیابی به دیدگاه‌هایی که برای غرب، مهم و چه بسا منحصر به فرد بود، کمک کند. دیکنز می‌توانست کمکی باشد تا مردم به‌جای رساله فلسفی، رمان و به‌خصوص



## چهره افغانستان در مجموعه داستان «انجیرهای سرخ مزار»

عباس اسدیان |

رمان‌های گویای اعتراض اخلاقی را ژانری بدانند که غرب در آن به استادی رسید. تمرکز روی این ژانر به آن‌ها کمک می‌کند که امید به آزادی و برابری و نه تکنولوژی را مهم‌ترین میراث غرب بدانند...»

رورتی در این مقاله تلاش‌های فلسفی را اگرچند عمیق ولی ماهیت‌گرایانه و نه‌چندان جزئی‌نگر و تلاش رمان‌نویسان و ادیبان را جزئی‌نگر و نه‌چندان عمیق اما موفق توصیف می‌کند. او تلاش نوع اول را «نظریه» می‌نامد و تلاش نوع دوم را «روایت». خلاصه‌ی سخن رورتی در این مقاله این است که رمان و داستان تصویر شفاف‌تر و واضح‌تر نسبت به فلسفه از یک جامعه ترسیم می‌کند. با این پیش‌زمینه چند مورد کلی را در مورد مجموعه داستان «انجیرهای سرخ مزار» بیان می‌کنیم.

### چهره افغانستان در این مجموعه داستان

رویکرد این یادداشت مختصر مبتنی بر سخن رورتی در مقاله‌ی «هایدگر، کوندرا و دیکنز»

که آدم‌ها زنده‌زنده خون همدیگر را می‌مکنند؛ البته این خشونت‌ها بیشتر از سر استیصال و بیچارگی صورت می‌گیرد. این خشونت‌ها اما همان‌طور که بدون دلیل رخ نمی‌دهند علت واحد هم ندارند. ناکارآمدی سیاسی، جهالت، ایدئولوژی‌های اشتباه همه‌همه دست به دست هم داده این وضعیت را به‌وجود می‌آورد. در داستان «دشت لیلی» می‌خوانیم: «فقط من بودم که می‌فهمیدم آن‌ها چه می‌گویند. «خفه شدیم، انا مسلمان‌ها دروازه را باز کنید، خفه شدیم، کباب شدیم.» و همان نفر پهلویی‌ام که قرآن می‌خواند، سرش را بالا کرده بود و همان‌طور که بین ریش‌هایش را می‌خاراند، گفت: «هنوز زنده هستن!» و دوباره سرش را در لای قرآن جیبی‌اش فرو برده بود. و آن‌ها هنوز چیغ می‌زدند» (دشت لیلی، ص ۱۲۲). و بعد در پایان داستان می‌خوانیم «دهانم را باز می‌کنم تا هوای پر از خاک و ریگ را به درون شش‌هایم بفرستم، ولی دهانم پر از خاک می‌شود و چشم‌هایم را که بازند و بسته نمی‌توانم و خاک و خاک... خاک... خاک... خاک... خاک... خاک...» (دشت لیلی، ص ۱۳۶).

در داستان «دشت لیلی» آدم‌های زیاد درون یک کانتینر حبس شده‌اند و می‌روند تا زیر خروارها خاک دفن شوند. البته اکثریت این آدم‌ها قبل از رسیدن به کشتارگاه تلف می‌شوند زیرا فضای میان کانتینر آن‌ها را هلاک می‌کنند. فضای درون کانتینر به‌شدت تاریک، بسیار گرم و سوزناک و تحمل‌ناپذیر است. برعلاوه، دست‌وپای افراد درون کانتینر نیز بسته است. «حالا باز باریکه‌ی نور را که بین کانتینر می‌تابد و در فضای بویگین این‌جا سرگردان است، می‌بینم... خدایا من هم پخته می‌شوم. حتمی دوباره تمام جان و کالاهایم از عرق تر می‌شوند و به سختی می‌توانم نفس بکشم. نی، دیگر آبی در جانم نمانده که عرق شود و هوای بین کانتینر را بویگین‌تر کند. بوی تند عرق مرده‌ها و بوی بد استفراغ و شاید هم بوی بد ریخ بعضی‌ها که در سرشان رفته فضای کانتینر را پر کرده است... دیگر هوایی در فضای کانتینر نمانده تا نفس بکشم. دیگر جان در جانم نمانده تا خودم را بالا بکشانم...» (ص ۱۳۴). این فضا بی‌شباهت به فضای کلی حاکم بر افغانستان نیست! می‌توان گفت فضای حاکم بر افغانستان شبیه به‌همان فضای درون کانتینر است که در این داستان توصیف شده است.

برحسب معمول، ما این‌جا ناچاریم بازهم یکی از همان سخنان کلیشه‌ای را تکرار کنیم: قانون در افغانستان وجود ندارد، اگر وجود دارد هم به نفع زورمندان در هرجا اعمال

می‌شود. در داستان «عبدل بیتل این‌جا آمده بود بمیرد» آمده است «تنگ‌گفته بودمت که خودت را با بچه‌های ابل‌نگیری؟ نگفته بودم که بچه‌های ابل‌ن به هیچ صراطی مستقیم نیستند و پشت بهانه می‌گردند؟ نمی‌فهمیدی بچه‌های قوماندان استند «عبدل بیتل آمده بود این‌جا بمیرد، ص ۲۹». راستی، چه نسبتی میان «قانون» و «بچه‌های قوماندان» وجود دارد که در همه‌جا از «زور قانون» حرف می‌زنند و نیز در همه‌جا هرکاری دل‌شان خواست انجام می‌دهند و با این‌حال قانون چیزی برای گفتن ندارد؟

و یا در داستان «الله‌الله» آمده است: «هی‌گویم تفنگ را چه کنم؟ من که جنگ کرده نمی‌توانم. می‌گوید: «تفنگ که داشتی، هیچ‌کس کارت ندارد...» (الله‌الله، ص ۴۸). و واقعیت هم همین بوده که تا به‌حال همیشه «تفنگ‌دارها» و «تفنگ‌سالارها» بر گروهی مردم سوار بوده و بی‌قانونی کرده. و البته این بی‌قانونی‌ها را یک باور دیگر هم حمایت می‌کند: اسلام‌گرایی بینادگرایانه و رادیکال. برآیند این طرز تفکر خودش را به‌شکل انضمامی‌تر تحت عنوان «جهاد» به نیت دست‌یافتن به زندگی بهتر و اما موهوم نشان می‌دهد. «هرکسی از یک آب و خاک آمده بود تا جهاد کند، مثل من، و به بهشت برود...» (دشت لیلی، ص ۱۱۸).

در کل، داستان‌ها با ریتم‌های مختلف اما وفادار به یک اصل (بازگویی واقعیت‌های جامعه) به پایان خودشان نزدیک می‌شود و داستان «سگ‌ها تا صبح می‌جفند» جمع‌بندی معنادار و قابل‌قبول برای این مجموعه داستان است.

دو تفسیر می‌توان از داستان آخری (سگ‌ها تا صبح می‌جفند) بیرون داد؛ معنای تشبیهی از «سگ» و معنای واقعی «سگ». به‌نظر می‌رسد داستان در پی ارائه معنای واقعی از «سگ» است اما معنای تشبیهی می‌تواند با مفهوم‌تر باشد. داستان می‌گوید سگ‌ها بعد از جنگ جشن می‌گیرند و به جفیدن شروع می‌کنند. این معنای واقعی سگ است، اما معنای تشبیهی آن «سگ» را به آدم‌های که این سرزمین را به ویرانه تبدیل کرده نزدیک می‌کند. می‌توان گفت این سرزمین تحت تسلط «سگ‌ها» است؛ سگ‌هایی که مدام می‌جفند! «سگ‌ها می‌جفند، سگ‌ها تا صبح خواهند جفید. شام‌ها سگ‌ها جشن دارند. بعد از جنگ سگ‌ها جشن می‌گیرند» (سگ‌ها تا صبح می‌جفند، ص ۱۴۴). سگ‌ها در این سرزمین مدام می‌جفند و نشانی از پایان جنگ پدیدار نیست. و این‌گونه است که آرامش از همه‌جا رخت بر می‌بندد و درخت بدبختی در همه‌جا ریشه می‌دواند.

### گزارش

رییس‌جمهور غنی در یک سال، دو بار وعده کرد که بند کمال‌خان را در جنوب کشور افتتاح خواهد کرد؛ اما تاکنون با گذشت ماه‌ها این وعده عملی نشده است. محمدشرف غنی، رییس‌جمهوری کشور، یک سال پیش (۱۷ / ۱۰ / ۱۳۹۸خ) در سفری که به ولایت نیمروز داشت، به مردم این ولایت وعده کرد که تا چهار ماه دیگر، بند کمال‌خان را افتتاح خواهد کرد: «منحیت رییس‌جمهورتان وعده می‌سپارم که تا چهار ماه دیگر، بند کمال‌خان تکمیل و افتتاح می‌گردد.»

آقای غنی در تاریخ ۵ اسد سال روان بار دیگر در سفری به ولایت نیمروز، چنین وعده کرد: «تا چهار ماه دیگر کاسه‌خانه‌ی بند کمال‌خان پُر از آب می‌گردد و بعد از این همیشه پُر خواهد بود.» با گذشت ماه‌ها این وعده‌ها عملی نشد.

وعده‌هایی که به‌باور برخی از نمایندگان مردم در شورای ملی کشور، تنها جنبه عوام‌فریبی دارد و رییس‌جمهور وعده‌های سر خرمن می‌دهد. گل‌احمد احمدی نماینده مردم نیمروز در مجلس نمایندگان نیز، حکومت را به عدم پاسخ‌گویی در برابر مردم و خانه‌ی ملت متهم می‌کند و می‌پذیرد که منحیت نماینده مردم نیمروز، تا حالا نمی‌داند چه مقدار پول در این پروژه به مصرف رسیده، شرکت پیمان‌کار آن کیست، با کدام نهاد قرارداد شده و دلیل تأخیر در کار آن چیست؟ آقای احمدی می‌گوید که نه‌تنها کار کانال‌های انتقال آب

## «وعده‌های سر خرمن»؛

## بند کمال‌خان تا پایان امسال افتتاح می‌شود؟

| یونس رووفی، مرکز خبرنگاری تحقیقی بیک |

نیمروز آبیاری خواهد شد. پروژه‌ی فاز سوم این بند با هزینه‌ی ۸۰۷ میلیون افغانی از بودجه‌ی توسعه‌ی وزارت پیشین انرژی و آب با شرکت داخلی «آسیا بنا افغان» و شرکت ترکی «تیم بیک» به‌مدت چهار سال از بهار سال ۱۳۹۵ تا بهار سال ۱۳۹۹خ. قرارداد شده است.

### وعده‌های برابردارنده

قرار بود پروژه‌ی بند کمال‌خان مطابق قرارداد، تا بهار سال روان یعنی ماه‌ها پیش به بهره‌برداری برسد؛ اما بنابر دلایل گوناگونی که از سوی مسئولان ارائه می‌شود، کار این پروژه هنوز به اتمام نرسیده است. هرچند مسئولان امور، ناامنی، شیوع بیماری کرونا و سرمای زمستان را دلیل تأخیر در کار پروژه می‌دانند، اما عبدالغفار عزیز می‌داند که در ولایت نیمروز، عواملی چون تهدیدهای امنیتی و وعده‌های غیرعملی حکومت را از عوامل اصلی پس‌مانی کار این پروژه می‌داند.

برخی دیگر هم تهدیدهای گروه طالبان و مداخله‌ی کشورهای همسایه راه از عوامل دیگر قرار داد شده است. هرگونه حمله بر تأسیسات عام‌المنفعه از سوی افراد مربوط به این گروه وارد کرده، می‌گوید که این اتهام‌ها همه تبلیغاتی و بی‌اساس است. بر بنیاد اطلاعات مسئولان محلی، در سه سال پسین چندین بار بند کمال‌خان و پوسته‌های امنیتی اطراف آن مورد حمله‌ی مسلحانه قرار گرفته است که در سه حمله‌ی آن، تلفاتی نیز به نیروهای امنیتی و مهاجمان وارد شده است:

- حمله‌ی مسلحانه‌ی ۱۴ اسد ۱۳۹۶خ. بر پوسته‌ی امنیتی بند کمال‌خان، یک سرباز و یک مهاجم کشته شده‌اند.

- حمله‌ی مسلحانه‌ی ۲۲ عرق ۱۳۹۷خ. بر پوسته‌ی امنیتی چورازر، دو سرباز و پنج

مهاجم کشته شدند.

- حمله‌ی مسلحانه در تاریخ ۳ عرق سال روان که منجر به کشته‌شدن شش سرباز پوسته‌ی امنیتی بند کمال‌خان شد.

مسئولان تصدی ملی محافظت عامه که مسئولیت تأمین امنیت بند کمال‌خان را به‌دوش دارند، حاضر به گفت‌وگو با خبرنگار بیک نشدند؛ اما آقای رحمت عمری مشاور مطبوعاتی مقام ولایت نیمروز، تأکید می‌کند که هیچ سند و مدرکی برای اثبات مداخله‌ی بیرونی در کار این پروژه وجود ندارد و به هیچ شخص یا گروهی نیز، اجازه نخواهند داد که مانع کار و بهره‌برداری این پروژه شود.

برخی از کارشناسان امور آب‌برق، به‌این باورند که افزون‌بر رفع تهدیدها، بازشدن راه‌های مواصلاتی و سرعت‌بخشیدن کار، حداقل چهارماه دیگر نیاز است تا کاسه‌خانه‌ی بند کمال‌خان پُر از آب شود.

با این همه دفتر مطبوعات ریاست‌جمهوری افغانستان در پاسخ به خبرنگار بیک نوشته است که بند کمال‌خان تا چند روز آینده به بهره‌برداری سپرده خواهد شد، اما نظام خپلواک، سخن‌گوی اداره‌ی ملی تنظیم آب، امیدوار است که با فرارسیدن فصل بهار و موسم آب‌خیزی کاسه‌خانه‌ی بند کمال‌خان پُر از آب شده و این پروژه آمده‌ی بهره‌برداری شود. آقای خپلواک در گفت‌وگو با خبرنگار بیک تأکید کرده است که بند کمال‌خان، تا پایان سال روان خورشیدی افتتاح خواهد شد.

**گلپهار هائیتیواجی و روزن مورگات، گاردین مترجم: جلیل پژواک**

مردی که آن‌سوی خط بود گفت «راستش در بخش حساب‌داری» یک شرکت نفت کار می‌کند. صدایش برایم ناآشنا بود. اول نفهمیدم برای چه تماس گرفته بود. ماه نوامبر ۲۰۱۶ بود و من از ۱۰ سال پیش که چین را به مقصد فرانسه ترک کرده بودم، در رخصتی بدون معاش این شرکت به‌سر می‌بردم. تلفن قطع و وصل شد. به سختی می‌توانستم صدایی بشنوم.

مردی که پشت خط بود گفت: «شما باید برای امضای اسناد بانزشتنگی‌تان به کارامای برگردید، خانم هائیتیواجی.» کارامای شهری در استان سین‌کیانگ در غرب چین است و من برای بیش از ۲۰ سال کارمند شرکت نفت مستقر در این شهر بودم. گفتم: «در این صورت می‌خواهم وکیلی به نمایندگی از من کار را انجام دهد. یکی از دوستانم در کارامای به امور اداری من رسیدگی می‌کند. لازم است برای امضای چند ورق به کارامای برگردم؟ این همه راه برای چنین کار اندکی؟ آن‌هم الان؟»

مرد پشت تلفن جوابی نداشت. گفت که دو روز دیگر دوباره تماس می‌گیرد و تا آن‌زمان باید ببیند که امکانش هست دوستم به نمایندگی از من کارم را پیش ببرد یا خیر.

سال ۲۰۰۲ همسرم، کریم، در جست‌وجوی کار سین‌کیانگ را ترک کرد. او نخست به قزاقستان رفت اما پس از یک سال ناامید بازگشت، سپس ناروی را امتحان کرد. بعد هم فرانسه رفت. آن‌جا درخواست پناهندگی داد و وقتی مستقر شد، من و دو دخترمان نیز به او ملحق شدیم.

کریم همیشه می‌دانست که در سین‌کیانگ ماندنی نیست. این فکر حتا قبل از این‌که ما در شرکت نفت استخدام شویم، در ذهن او ریشه دوانده بود. ما هر دو دانشجو بودیم که در ارومچی، بزرگ‌ترین شهر استان سین‌کیانگ، باهم آشنا شدیم و پس از فارغ‌التحصیلی به جست‌وجوی کار شروع کردیم. سال ۱۹۸۸ بود. در آگهی‌های کاریابی در روزنامه‌ها اغلب عبارت کوچکی با خط ریز خودنمایی می‌کرد: اوغورها را استخدام نمی‌کنیم. این عبارت کوچک هیچ‌گاه دست از سر کریم برنداشت. درحالی‌که من سعی می‌کردم تبعیض را که همه‌جا ما را دنبال می‌کرد، نادیده بگیرم، کریم اما نمی‌توانست بی‌خیالش شود.

پس از فارغ‌التحصیلی، سمّت مهندسی در شرکت نفت در کارامای به ما پیشنهاد شد. شانس آورده بودیم. اما خیلی زود ماجرای پاکت سرخ شروع شد. هر سال جدید قمری، وقتی رئیس شرکت پاداش‌های سالانه را به کارکنانش توزیع می‌کرد، به اوغورها پاکت‌های سرخ رنگی داده می‌شد که مبلغش کم‌تر از آنچه بود که به همکاران ما می‌بودند، تقدیم می‌شد. دیری نگذشت که تمام کارکنان اوغور این شرکت از دفتر مرکزی به حومه‌ی شهر منتقل شدند. گروه کوچکی از ما اعتراض کردند؛ من اما جرأت نکردم. چند ماه بعد وقتی سمّت ارشدی اعلام شد، کریم درخواست داد. او هم واجد شرایط بود و هم در کار خود ارشد بود. دلیلی نداشت که این فرصت ازش دریغ شود. اما سمّتی که اعلام شده بود به کارمندی تعلق گرفت که هان بود و حتا مدرک مهندسی هم نداشت. سال ۲۰۰۰، یک شب کریم خانه آمد و گفت که کارش را ترک کرده است. گفت که «دیگر پس‌ام است.»

آنچه شوهرم تجربه می‌کرد برای ما غریب نبود. از سال ۱۹۵۵ که چین کمونیست منطقه سین‌کیانگ را به‌عنوان «منطقه خودمختار» به «سرزمین چین» الحاق کرد، ما اوغورها به خارجشم «چین بزرگ» تبدیل شدیم. سین‌کیانگ حکم دالان استراتژیک را برای سرزمین چین دارد و حزب کمونیست حاکم چین به هیچ‌وجه نمی‌خواهد کنترل آن‌را از دست دهد. این حزب روی «جاده ابریشم جدید» که پروژه‌ی زیربنایی طراحی‌شده برای وصل‌کردن چین به اروپا از طریق آسیای میانه است و منطقه‌ی ما، سین‌کیانگ، نقش یکی از محورهای مهم این پروژه را دارد،

سرمایه‌گذاری کلان کرده است. سین‌کیانگ — البته یک سین‌کیانگ صلح‌آمیز، باز برای تجارت، عاری از گرایش‌های جدایی‌طلبانه و تنش‌های قومی؛ و به عبارتی ساده‌تر، سین‌کیانگ منهای اوغورهایش — برای برنامه‌ی بزرگ رییس‌جمهور شی جین‌پینگ حیاتی است.

من و دخترانم در ماه می ۲۰۰۶، درست قبل از آن‌که سین‌کیانگ وارد دوره‌ی بی‌پسینه‌ی سرکوب و ستم شود، به فرانسه گریختیم. به دخترانم که در آن‌زمان ۱۳ و ۸ ساله بودند، مثل پدرشان پناهندگی داده شد. شوهرم با پناهنده‌شدن در فرانسه از گذشته‌ی خود کامل بریده بود. گرفتن گذرنامه فرانسوی در واقع تابعیت چینی وی را سلب کرده بود. برای من اما گرفتن گذرنامه فرانسوی حس وحشتناکی داشت. اینکه من هرگز قادر به بازگشت به سین‌کیانگم نخواهم بود. چگونه می‌توانستم برای همیشه از ریشه‌ی خودم، از عزیزانی که آن‌جا داشتیم، از والدینم، خواهران و برادرانم خداحافظی کنم؟ مادرم را تصور می‌کردم که سال‌هاست زندگی دشواری دارد و سرنوشتش این خواهد بود که تک و تنها در روستایش در کوه‌های شمالی بمیرد. دست شستن از تابعیت چینی‌ام به معنای رهاکردن مادرم نیز بود. نمی‌توانستم خودم را قانع کنم. پس به‌جای درخواست تابعیت فرانسه، درخواست اجازه‌ی اقامت کردم که هر ۱۰ سال بشود تمدیدش کرد.

پس از پایان تماس وقتی به اطراف اتاق نشیمن ساکت آپارتمان‌مان در شهرستان «بولون» نگاه می‌کردم، مغز سرم از هجوم پرسش‌هایی که داشتم صدا می‌داد. چرا آن مرد می‌خواهد که به کارامای برگردم؟ آیا این حیله‌ای برای کشاندن من به دام پولیس و بازجویی است؟ آخر چنین چیزی برای اوغورهایی که در فرانسه زندگی می‌کنند و من می‌شناسم‌شان اتفاق نیفتاده بود.

دو روز گذشت و مرد بازم تماس گرفت. او گفت: «مکان ندارد وکیل بگیرید خانم هائیتیواجی. شما باید شخصا به کارامای بیایید.» من تسلیم شدم. با خودم گفتم مسأله فقط امضای چند سند است.

«باشه. به محض این‌که بتوانم آنجا خواهم بود.» وقتی تلفن را قطع کردم لرزشی وجودم را فراگرفت. از بازگشت به سین‌کیانگ وحشت داشتم. کریم دو روز تمام تلاش کرده بود خاطر مرا آرام کند اما احساس بدی داشتم. در آن‌وقت سال شهر کارامای در محاصره زمستانی سرد و سوزان قرار می‌گرفت. باد یخ‌زده‌ای در خیابان‌ها، بین ردیف مغازه‌ها و ساختمان‌های آپارتمانی زوزه می‌کشید. غیر از چند نفر که برای مقابله با سرما خودشان را پتوپیچ کرده بودند، دیگر خیابان‌ها خالی بود. اما این شهر سرد با خیابان‌های یخ‌زده و خالی از انسان نبود که مرا به وحشت انداخت. بلکه تدابیر سخت‌گیرانه‌ای بود که بر شهر و مردمانش حاکم بود. هرکسی که پا از خانه‌ی خود بیرون می‌گذاشت، امکان داشت بدون هیچ دلیلی بازداشت شود.

این وضعیت برایم خیلی بیگانه نبود، اما استبداد حزب حاکم از شورش‌های سال ۲۰۰۹ ارومچی (فوران خشونت‌ها بین اوغورها و مردم هان که منجر به کشته‌شدن ۱۹۷ نفر شد) به بعد آشکارتر شده بود. شورش سال ۲۰۰۹ ارومچی نقطه‌عطفی در تاریخ معاصر سین‌کیانگ به‌شمار می‌رود. بعد از آن شورش حزب کمونیست یکی دو نفر را نه بلکه کل قوم اوغور را گناه‌کار دانست و سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌اش را با این ادعا که خانه‌های اوغورها کانون اسلام رادیکال و تجزیه‌طلبی است، توجیه کرد.

تابستان سال ۲۰۱۶ سین‌کیانگ شاهد ورود یک بازیگر جدید در جدال طولانی بین قوم ما ایغورها و حزب کمونیست بود. «چن کوانگو»، که شهرتش را مدیون تدابیر نظارتی سخت‌گیرانه‌ای است که قبلا در تبت اعمال کرده بود، به‌عنوان رییس استان سین‌کیانگ انتخاب شد. پس از ورود او به منطقه سرکوب اوغورها به‌طرز چشم‌گیری شدت یافت. هزاران نفر به «مدارس» اعزام شدند؛ مدرسی که یک‌شبه در حاشیه‌ی سکونت‌گاه‌های



## گولاک چین؛ داستان یک بازمانده

نفس بد خود را حس می‌کردیم. مثل گاو نفس‌نفس می‌زدیم. گاهی اوقات یکی دو تایی‌مان غش می‌کردند. اگر فرد غش‌کرده خودش برپا نمی‌شد، نگهبانی سروقتش می‌آمد و با تکان دادن سخت او را به پا می‌کرد؛ یا با سیلی‌ای محکم بیدارش می‌کرد. اگر او دوباره زمین می‌خورد، نگهبان‌ها او را از اتاق بیرون می‌کشیدند و ما دیگر هرگز نمی‌دیدیمش. هیچ‌وقت. اوایل این موضوع مرا شوکه می‌کرد، اما بعدا بهش عادت کرده بودم. آدمی به هرچیزی، حتا وحشت عادت می‌کند.

نور کم‌رنگ؛ این‌ها صحنه‌ی بازجویی را آماده کرده بود. من و بازجوها درباره دلایل رفتن من به فرانسه، شغلم در نانوابی و کار شست‌وشوی مغزی (و بدتر از آن) به آن‌جا منتقل می‌شدند.

نمی‌خواستم به سین‌کیانگ برگردم، اما فکر کردم که حق با کریم است که هی می‌گفت دلیلی ندارد نگران باشم. سفر فقط چند هفته طول می‌کشد، «آن‌ها حتما برای بازجویی سراغت خواهند آمد اما نترس. این کاملا طبیعی است.» کریم مرا اطمینان می‌داد.

صبح روز ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶، چند روز پس از ورودم به چین، به دفتر شرکت نفت در کارامای رفتم تا اسناد بانزشتنگی‌ام را امضا کنم. در دفتری با دیوارهای لکه‌دار، همان حساب‌دار هان و منشی‌اش که پشت صفحه‌ی رایانه‌اش قوز کرده بود، نشسته بودند. مرحله بدی سفرم مرا به ایستگاه پولیس «کونلون»، در فاصله ۱۰ دقیقه‌ای با موتور از دفتر مرکزی شرکت نفت، کشاند. در راهم به سمت ایستگاه پولیس پاسخ‌هایم را برای پرسش‌هایی که فکر می‌کردم قرار است ازم پرسیده شود، آماده کردم. سعی کردم خودم را پولادین نشان دهم. پس از این‌که وسایلم را تحویل دادم، مرا به اتاق تنگ و بی‌روچی بردند. اتاق بازجویی بود. قبلا هرگز اتاق بازجویی ندیده بودم. یک پایه میز، دو صندلی بازجوها را از صندلی که من رویش نشسته بودم جدا می‌کرد. صدای آرام خش خش بخاری، تخته‌سفید نه‌چندان تمیز،

#### ترجمه

با جامعه اوغورهای تبعیدی بروید. کریم در آن‌زمان یکی از شرکت‌کنندگان پروپاقرص این گردهمایی‌ها بود. دخترکم فقط یکی‌دو بار شرکت کرده بود. من، هرگز. سیاست برای من نیست. از زمانی که سین‌کیانگ را ترک کردم، علاقه‌ام به سیاست کم‌تر شده و بیشتر نه.

در این جریان ناگهان مأمور مشتش را روی میز اتاق بازجویی کوبید.

«می‌شناسی‌اش نه؟»

«آره. دخترم است.»

«دخترت یک تروریست است!»

«نیست. نمی‌دانم او چرا در آن تظاهرات حضور داشته.»

هی تکرار می‌کردم که «نمی‌دانم. نمی‌دانم او آن‌جا چه می‌کند. او هیچ کار اشتباهی نکرده. قسم می‌خورم. دخترم تروریست نیست. شوهرم تروریست نیست!»

بقیه بازجویی را به خاطر نمی‌آورم. تنها چیزی که به یاد دارم عکس دخترم، پرسش‌های تهاجمی بازجوها و پاسخ‌های بیهوده‌ی من بود. نمی‌دانم چه مدت طول کشید، فقط خاطرم است که وقتی کار تمام شد، با اعصاب به‌هم‌ریخته پرسیدم: «حالا می‌توانم بروم؟ کارمان این‌جا تمام شده است؟» یکی‌شان گفت: «تخیر گلپهار هائیتیواجی. کار ما تمام نشده است.»

«به راست! به چپا! راحت باش!»

چهل نفر بودیم. در یک اتاق. همه زن بودیم. همه لباس خواب آبی به تن داشتند. اتاق‌مان یک کلاس درسی مستطیلی معمول بود. یک کرکره فلزی بزرگ که از سوراخ‌های ریز آن نور به داخل اتاق راه می‌یافت، دنیای بیرون را از ما پنهان می‌کرد. یازده ساعت در روز، جهان ما به همین اتاق خلاصه می‌شد. دهمایی‌هامان روی کف‌پوش شمع اتاق جیر جیر صدا می‌داد. دو سرباز هان وقت را قید می‌کردند و ما بی‌وقفه در اتاق بالا و پایین می‌رفتیم. این بالا و پایین رفتن‌ها «تربیت بدنی» نام داشت. اما در واقع از آموزش نظامی کم نبود.

جسم فرسوده‌ی ما هماهنگ به این‌سو و آن‌سو، از این گوشه به آن گوشه، در حرکت بود. وقتی سرباز فریاد «راحت‌باش!» می‌کشید، به زبان چینی ماندارین، هنگ ما زندانیان به اقیانوسی از آدم‌های یخ‌زده تبدیل می‌شد. او کسی بود که دستور می‌داد بی‌حرکت بمانیم. ما نیم‌ساعت، یا حتا یک ساعت کامل و گاه حتا بیشتر از یک ساعت بی‌حرکت می‌ماندیم. در این جریان حسی شبیه خلدن خار و سوزن به پاهای‌مان را داشتیم. بدن‌هامان که هنوز گرم و بی‌تاب بود، برای استوارماندن در گرمای مرطوب اتاق تقلا می‌کرد. نفس بد خود را حس می‌کردیم. مثل گاو نفس‌نفس می‌زدیم. گاهی اوقات یکی دو تایی‌مان غش می‌کردند. اگر فرد غش‌کرده خودش برپا نمی‌شد، نگهبانی سروقتش می‌آمد و با تکان دادن سخت او را به پا می‌کرد؛ یا با سیلی‌ای محکم بیدارش می‌کرد. اگر او دوباره زمین می‌خورد، نگهبان‌ها او را از اتاق بیرون می‌کشیدند و ما دیگر هرگز نمی‌دیدیمش. هیچ‌وقت. اوایل این موضوع مرا شوکه می‌کرد، اما بعدا بهش عادت کرده بودم. آدمی به هرچیزی، حتا وحشت عادت می‌کند.

ماه جون ۲۰۱۷ بود و از آوردن من به این اردوگاه سه روز می‌گذشت. پس از حدود ۵ ماه در سلول‌های ایستگاه پولیس کارامای برای بازجویی‌های مکرر و بی‌رحمی‌های خودسرانه (در یک مرحله مرا به مدت ۲۰ روز به‌عنوان تنبیه به تختم زنجیر کردند، گرچه هیچ‌گاه نفهمیدم برای چه) به من گفتند که مرا به «مدرسه» می‌فرستند. قبلا هرگز درباره این مدارس اسرارآمیز، یا دوره‌های به اصطلاح آموزشی آن نشنیده بودم. به من گفتند حکومت این مدارس را برای «اصلاح» اوغورها ساخته است. زنی که هم‌سلولی‌ام بود گفت که این به اصطلاح مدارس مثل مکاتب معمولی خواهد بود، فقط استادان آن همه از قوم هان هستند. او گفت که وقتی از این مدرسه فارغ شویم، آزادیم که به خانه‌هامان برویم.

«مدرسه»‌ای که قرار بود مرا به آن بفرستند



## موشک‌های سپاه «در ۱۰۰ مایلی ناو امریکایی در اقیانوس هند فرود آمدند»



سپاه پاسداران طی دو روز اخیر در حال برگزاری «رزمایش پیامبر اعظم» است. روز گذشته در مرحله اول این رزمایش اعلام شد که آزمایش و شلیک انبوه «نسل جدید» موشک‌های بالستیک زمین به زمین انجام شده است. تلویزیون دولتی ایران نیز روز شنبه با پخش تصاویر از در مرحله دوم این رزمایش، گفتند، موشک‌های بالستیک با برد ۱۸۰۰ کیلومتری اهدافی را در شمال اقیانوس هند را هدف قرار داده و منهدم کردند. امیرعلی حاجی زاده، فرمانده نیروی هوا فضای سپاه در خصوص مرحله دوم رزمایش سپاه گفته است: «امروز هدف ما انهدام ناوگان دشمن در شمال اقیانوس هند و در فاصله هزار و ۸۰۰ کیلومتری بود که موشک‌های بالستیک به سمت این منطقه روانه شد و اهداف را منهدم کرد.» فرمانده نیروی هوا فضای سپاه از مرحله دوم این رزمایش به عنوان «تمرین ناکارآمد سازی نقاط قوت دشمن در بخش‌های دریایی» یاد کرد و اظهار داشت: «در صورتی که دشمنان ما در شعاع ۲ هزار کیلومتری ناکارآمد شوند، در واقع ناکارآمدی قطعی مواجه و توان شلیک موشک‌های کروز را نداشته و دیگر هواپیمایی نمی‌تواند از روی این ناوها بلند شود.» برخی از کاربران نزدیک به سپاه در شبکه‌های اجتماعی گفته‌اند، سپاه پاسداران از موشک سجیل که با سوخت جامد کار می‌کند، در این رزمایش استفاده کرده است. آمریکا، اتحادیه اروپا و شماری از کشورهای عرب منطقه خلیج فارس ضمن ابراز نگرانی از برنامه موشکی ایران،

اطلاعات روز: فاکس نیوز به نقل منابع مطلع روز شنبه ۲۷ جدی نوشت که موشک‌های دور برد سپاه پاسداران در ۱۰۰ مایلی ناو هواپیمابر نیمیتز آمریکا و در نزدیکی یک کشتی تجاری در اقیانوس هند فرود آمدند. به نقل از رادیو فردا، مقام‌های امریکایی گفته‌اند که دست کم یکی از این موشک‌ها تقریباً ۲۰ مایلی یک کشتی تجاری در اقیانوس هند فرود آمده است. این مقام‌ها که نامشان فاش نشده، از ارائه جزئیات در خصوص این رویداد خودداری کرده‌اند. مقامات ارشد نظامی آمریکا در این زمینه گفته‌اند که ۱۰۰ مایلی فاصله طولانی تا ناو هواپیمابر نیمیتز است. یک منبع مطلع هم گفته است: این موشک‌ها باعث اعلام هشدار نشدند و این مانور عادی بود. یک منبع مطلع دیگر به فاکس نیوز گفته است، فرود موشک در ۲۰ مایلی یک کشتی تجاری بیشتر مایه نگرانی است، اما از سوی ارتش آمریکا به مثابه تهدید ارزیابی نشد. با این حال، یک مقام نظامی امریکایی هم گفته است: ما انتظار پرتاب موشک را داشتیم. فاکس نیوز می‌گوید، فاصله ۱۰۰ مایلی، مسافت طولانی است و در افق دید ناو هواپیمابر نیمیتز یا کشتی‌های اسکورت نبود، بلکه ماهواره‌های امریکایی که در فضا در حال گردش هستند، موشک‌های ایران را ردیابی کردند. این شبکه خبری اضافه کرده است، هنوز مشخص نیست که آیا رادارهای AN/SPY-1 رزمناوهای همراه ناو هواپیمابر نیمیتز این موشک‌ها را ردیابی کرده‌اند یا نه.

این رزمایش تازه موشکی سپاه پاسداران در حالی برگزار شد که در آخرین هفته ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و روی کار آمدن دولت جو بایدن تنش بین ایران و آمریکا تشدید شده است. جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، که اعلام کرده است آمریکا به توافق هسته‌ای باز خواهد گشت، تأکید کرده است که دولت او به گفت‌وگو درباره آینده برنامه هسته‌ای و برنامه موشکی ایران توجه دارد. مقام‌های حکومت ایران و رهبر جمهوری اسلامی همواره گفته‌اند که حاضر به مذاکره درباره برنامه موشکی خود نیستند.

خواستار توقف این فعالیت‌ها شده‌اند. آن‌ها تأکید دارند که برنامه موشکی ایران عامل بی ثباتی در منطقه است. آمریکا معتقد است که آزمایش موشک‌های بالستیک ایران نقض قطعنامه شورای امنیت است. اما ایران این موضوع را رد می‌کند. قطعنامه ۲۲۳۱ به دنبال توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی در سال ۹۴ صادر شد که به تحریم‌های هسته‌ای ایران پایان می‌دهد اما در عین حال ایران را ملزم می‌کند که از تولید و آزمایش موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای خودداری کند.

### اف‌بی‌آی:

## تهدید مقام‌های انتخاباتی آمریکا از سوی عوامل سایبری ایرانی ادامه دارد



مشترکی از شناسایی و خنثی شدن یک رخنه اطلاعاتی عوامل حکومتی ایران در یکی از ایالت‌های آمریکا خبر داده و گفته بودند که این رخنه بدون هرگونه تأثیرگذاری بر نتیجه انتخابات، شناسایی و ترمیم شده است. روز سوم جدی نیز روزنامه واشینگتن پست نوشت که پولیس فدرال آمریکا، اف‌بی‌آی، به این نتیجه رسیده است که ایران به تازگی در تحریک افراد برای ایجاد تهدید جانی علیه ده‌ها مقام امریکایی دست داشته است. به نوشته این روزنامه، افراد مورد تهدید، و از آن جمله کریستوفر وری، رییس اف‌بی‌آی، مقاماتی هستند که ادعای بی‌مدرک و بی‌اساس بروز «تقلب گسترده» در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا را رد کرده‌اند. اوایل ماه دسامبر گذشته، تصاویر، نشانی منزل و سایر اطلاعات شخصی این افراد در وبسایتی با عنوان «دشمنان مردم» قرار گرفت و این وبسایت با قرار دادن ضربدرهایی بر روی چهره آنها خواستار برخورد

اطلاعات روز: پولیس فدرال آمریکا، اف‌بی‌آی، در پیامی تازه نوشته است که تهدید مقام‌های انتخاباتی ایالات متحده از سوی «عوامل سایبری ایرانی» همچنان ادامه دارد. در تویت اف‌بی‌آی که در این زمینه منتشر شده، آمده است که این تهدیدها «از طریق ارسال ایمیل، پیامک و در شبکه‌های اجتماعی» ادامه دارد و از همگان و به‌ویژه کاربران شبکه‌های اجتماعی خواسته است تا اگر اطلاعاتی درباره «فعالیت‌های سایبری بدخواهانه ایران» دارند، به این نهاد اطلاع دهند. به گزارش رادیو فردا، پولیس فدرال آمریکا همچنین از کاربران خواسته است تا اگر اطلاعاتی درباره جرائم فدرال انتخاباتی و جرائم خشن هم دارند، به این نهاد گزارش دهند. پیش از این نیز اف‌بی‌آی و آژانس امنیت سایبری و زیربنایی ایالات متحده در تاریخ ۱۲ عقرب با انتشار بیانیه

خسونت‌آمیز و مرگبار با این مقامات شد. به نوشته واشینگتن پست، اف‌بی‌آی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده که جمهوری اسلامی ایران پشت این وبسایت قرار دارد. وبسایت «دشمنان مردم» که اکنون از دسترس خارج شده، به نادرستی در مورد این افراد نوشته بود که «افراد زیر به انجام تقلب در انتخابات علیه ترامپ کمک یا از آن پشتیبانی کرده‌اند.» مقامات پولیس فدرال آمریکا و وزارت امنیت داخلی آن کشور روز نهم آبان نیز در بیانیه مشترکی اعلام کردند، هرکدام ایرانی عامل موجی از ایمیل‌های تهدیدآمیز برای هزاران امریکایی هستند و موفق شده‌اند که به داده‌های اطلاعاتی رأی‌دهندگان دسترسی پیدا کنند. سعید خطیب‌زاده، سخن‌گوی وزارت امور خارجه ایران، در واکنش به این خبر آن را «بی‌اساس» خواند و گفت ایران «علاقه‌ای به مداخله» در انتخابات آمریکا ندارد.

## جو بایدن در اولین روز ریاست‌جمهوری آمریکا ممنوعیت سفر از کشورهای عمدتاً مسلمان را لغو می‌کند

مطرح شد. دیوان عالی در نهایت به نفع فرمان آقای ترامپ رای داد اما دادگاه‌های دیگر بر اساس شکایت خانواده‌ها استثنائاتی برای این فرمان در نظر گرفتند که بر اساس آن شماری از شهروندان این کشورها مثلاً به دلیل داشتن پیوند خانوادگی توانستند در این سال‌ها ویزای ۹۰ روزه آمریکا را دریافت کنند. فرمان دیگر دونالد ترامپ که قرار است لغو شود، ترک پیمان اقلیمی پاریس است. اکتبر ۲۰۱۹ آقای ترامپ توافقی را که چهار سال قبل از آن به امضای ۱۹۵ کشور رسیده بود، «فاجعه» نامید. او گفت این توافق که دولت باراک اوباما در پاریس امضا کرد به رقابت اقتصادی در آمریکا آسیب می‌زند. اشاره آقای ترامپ به شرکت‌های بزرگ نفت، گاز و زغال سنگ بود. یک ماه بعد دولت آمریکا اعلام کرد که روند خروج از پیمان مقابل به تغییرات آب و هوایی را رسماً آغاز کرده است. این خبر واکنش‌های بین‌المللی فراوانی را برانگیخت. دونالد ترامپ از ابتدای ریاست‌جمهوری منتقد پیمان پاریس و تعهد کشورها به کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای بود و اصرار داشت آمریکا هر چه زودتر از این توافق بین‌المللی کنار بکشد.

شش کشور اسلامی: ایران، لیبی، سوریه، یمن، سومالی و سودان، متوقف شود. دستوری که باعث شد صدها مسافر ایرانی در راه آمریکا یا حتی در فرودگاه‌های این کشور بازگردانده شوند. آقای ترامپ بعداً نام سودان را از این فهرست حذف و کوریای شمالی و چاد را به آن اضافه کرد. نام سودان دوباره به طور محدودتر سه سال بعد اضافه شد. رییس‌جمهور آمریکا گفته بود تا زمانی که دولت‌های این کشورها «به طور رضایت‌بخشی کمبودهای شناسایی شده را برطرف کنند» این محدودیت‌ها به قوت خود باقی می‌ماند. در روز ۳۱ جنوری ۲۰۲۰ دولت ترامپ تعمیم این ممنوعیت به شش کشور دیگر اریتره، قرقیزستان، میانمار، نیجریه، سودان و تانزانیا را اعلام کرد. با این حال آن محدودیت اضافه فقط برخی ویزاها را تحت تأثیر قرار می‌داد. مخالفان فرمان منع سفر آقای ترامپ از جمله دمکرات‌ها آن را تلاشی برای تبعیض و اقدامی غیرقانونی می‌دانند و آقای بایدن هم وعده داده بود که بلافاصله این فرمان را لغو می‌کند. چند شکایت شخصی از این فرمان در ایالات متحده

کشورهای اسلامی است که آقای ترامپ دستور داده بود. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، او قرار است این فرمان‌های اجرایی را در ساعات اولیه پس از مراسم تحلیف در روز چهارشنبه ۲۰ جنوری اعلام کند. برداشتن منع سفر شهروندان از کشورهای عمدتاً مسلمان‌نشین و بازگشت به پیمان اقلیمی پاریس دو مورد از این دستورها است. او همچنین می‌خواهد داشتن ماسک در تمام ساختمان‌های دولتی آمریکا را برای جلوگیری از گسترش ویروس کووید ۱۹ اجباری کند. این دستورها نیاز به مصوبه کنگره ندارد. اما دادن حق شهروندی به میلیون‌ها مهاجر بدون مدرک و طرح حمایتی کرونا باید در کنگره تصویب شود. در دولت دونالد ترامپ، مجلس نمایندگان آمریکا به ریاست نانسی پلوسی، رییس دمکرات این مجلس، سعی کرد فرمان آقای ترامپ برای ممنوعیت سفر از کشورهای عمدتاً مسلمان را لغو کند اما سنا مصوبه مجلس نمایندگان را تأیید نکرد. دولت ترامپ جنوری ۲۰۱۷ در اولین روزهای ریاست‌جمهوری دستور داد صدور ویزا برای شهروندان



اطلاعات روز: جو بایدن، رییس‌جمهور منتخب آمریکا قصد دارد ده‌ها فرمان اجرایی را در اولین روز آمدن بر سر کار امضا کند که یکی از آنها لغو فوری ممنوعیت سفر از

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶ سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابدشایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیرمهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

محمّدحسین جویا

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

آدرس: کابل، کارته‌سه

## خبرهای کوتاه

## آرسنال، جدیدترین مشتری پدیده جوان بارسلونا

به نظر می‌رسد میکل آرتتا خواهان حضور ریکی پویچ، پدیده جوان بارسلونا در تیمش شده است.

انتظار می‌رفت که بعد از انتخاب رونالد کومان به عنوان سرمربی جدید بارسلونا این هالندی به جوانان تیمش اعتماد ویژه ای داشته باشد. همچنین در این بین به نظر می‌رسد ریکی پویچ استعداد فوق العاده لاماسیا نقش ویژه ای در بارسلونای تحت هدایت رونالد کومان ایفا کند.

با این حال چندی پیش نشریات اسپانیایی و کاتالانی مدعی شدند که کومان در کمال ناباوری به پویچ اعلام کرده که در تیم او نقشی ندارد و می‌تواند بارسا را ترک کند؛ موضوعی که حتی به تایید خود سرمربی هالندی نیز رسید و او در مصاحبه ای اعلام کرد که در صورت ماندن این بازیکن جوان در بارسا به او خیلی بازی نخواهد رسید بنابراین بهتر است به شکل قرضی جدا شود.

اگر چه پدیده اسپانیایی طی هفته های اخیر این فرصت را پیدا کرده که دقایقی در ترکیب بارسلونا به میدان برود و حتی در دیدار نیمه نهایی سوپر جام مقابل سوسیداد پنالتی پیروزی بخش این تیم را به ثمر رساند اما هنوز هم شایعاتی در رابطه با جدایی احتمالی او از تیم کاتالان ها به گوش می‌رسد.

در همین ارتباط برخی منابع مدعی شده اند که باشگاه آرسنال و سرمربی اسپانیایی این تیم یعنی میکل آرتتا شرایط جذب ریکی پویچ را بررسی می‌کنند و در واقع توپچی ها قصد دارند برای تقویت خود این بازیکن را به خدمت بگیرند.

## دستمزدها به تعویق افتاد

## اینتر زیر خط فقر؛ پول نیست تا به رئال بدهند

باشگاه اینتر این روزها شرایط مالی بسیار بد و عجیبی را سپری می‌کند.

اینترمیلان در هفته های اخیر درون زمین فوتبال نتایج تقریبا خوبی گرفته و با قرار گرفتن در رده دوم سری آ همچنان از شانس های قهرمانی محسوب می‌شود ولی درون باشگاه، شرایط اصلا خوب نیست.

اینتر یکی از باشگاه های بدهکار و مقروض فوتبال اروپاست و در نتیجه پاندمی کرونا یکی از بدترین روزهای تاریخ خود از لحاظ مالی را سپری می‌کند.

دیروز نشریه لارپوبلیکا گزارش داد که باشگاه اینتر که تخت مالکیت سائینگ چین قرار دارد، در حال مذاکره با گروه سرمایه گذاری «BC Partners» برای واگذاری است و در این شرایط بازیکنان تاکنون نتوانسته اند دستمزد خود را دریافت کنند و باشگاه وعده داده تا قبل از ۱۶ فبروری دستمزد ماه های جولای و اگوست را پرداخت کند. همان زمان نیز برای دستمزد ماه های نوامبر و دسامبر مذاکره خواهند کرد. بازیکنان اخیرا در مورد تاخیر در پرداخت دستمزد ها با سران باشگاه جلسه ای نیز داشتند.

اینتر حتی نتوانسته قسط اول مربوط به خرید اشرف حکیمی را به رئال مادرید پرداخت کند. اینتر متعهد شده بود که تا پایان ماه گذشته، ۱۰ میلیون یورو قسط اول خرید ۴۰ میلیون یورویی اشرف را پرداخت کند اما در نهایت از باشگاه رئال تا ۳۰ مارچ مهلت گرفت.

## در انتظار آغاز هفته نوزدهم؛

## اوج حساسیت در لالیگا بدون رئال مادرید و بارسلونا!



از ماه اکتبر تاکنون تنها سه امتیاز کسب کرده و به همین دلیل نیاز مبرمی به پیروزی در مستایا دارد. همچنین در دیدار پایانی هفته نوزدهم لالیگا اتلتیکو مادرید صدرنشین در ایپورا مهمان ایبار خواهد بود. قطعا دیه گو سیمونو به تیمش یادآوری خواهد کرد که این اصلا یک بازی آسان برای آن ها نخواهد بود چرا که روخی بلانکو فصل گذشته با نتیجه ۲-۰ در خانه حریف شکست خورد.

می‌توانیم شاهد یک بازی پرگل باشیم. همچنین بازی ویارئال و گرانادا یکی دیگر از تقابل های جذاب این هفته لالیگا به حساب می‌آید. در این مسابقه نیز می‌توانیم شاهد گل‌های زیادی باشیم همانطور که در دیدار رفت فصل گذشته دو تیم مسابقه را با نتیجه ۴-۴ پایان رساندند. والنسیا و اوساسونا نیز در یکی دیگر از مسابقات مهم هفته نوزدهم به مصاف یکدیگر خواهند رفت. اوساسونا ۱۲ بازی اخیر خود را بدون برد پشت سر گذاشته و

از آن افت فاحش، به دنبال تغییر شرایط است.

دیگر دیدار فردا شب به تقابل لوانته و کادیز اختصاص دارد؛ دو تیمی که با انگیزه عدم سقوط پا به مسابقات این فصل گذاشتند اما اکنون امیدوار هستند که فصل را در بین ۱۰ تیم ابتدایی جدول به پایان برسانند. همچنین در یک مسابقه دیگر دو تیم آلاوز و سویا به مصاف یکدیگر خواهند رفت که این بازی نیز می‌تواند از جذابیت های بالایی برخوردار باشد.

جدال بین دو تیم ختافه و هوئسکا نیز می‌تواند از زیبایی‌های زیادی برخوردار باشد. تیمی که دو ستاره جوان رئال مادرید و بارسلونا یعنی تاکه فوسا کوبو و کارلس آلنا را به خدمت گرفته و به دنبال جمع کردن امتیازات بیشتر در ادامه فصل است. این در حالی است که هوئسکا اصلا نتایج خوبی را کسب نکرده و در حال حاضر با ۱۲ امتیاز در رده پایانی جدول قرار دارد. اواخر چهارشنبه شب دو تیم رئال بتیس و سلتاویگو به مصاف یکدیگر خواهند رفت. تیم هایی که به لحاظ گل دریافتی اصلا شرایط خوبی ندارند و به همین خاطر

در روزهای سه‌شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه هشت مسابقه در چهارچوب رقابت های هفته نوزدهم لالیگا برگزار خواهد شد.

هفته نوزدهم رقابت های لالیگا از قبل آغاز شده اما ادامه مسابقات در روزهای سه شنبه چهارشنبه و پنج شنبه (۲۱،۲۰،۱۹ جنوری) برگزار خواهد شد. چهار تیم حاضر در سوپرکاپ اسپانیا یعنی رئال مادرید، بارسلونا، اتلتیکو بلبائو و رئال سوسیداد پیش از این در ماه دسامبر مسابقات خود در هفته نوزدهم را انجام داده‌اند اما در عین حال شاهد ۸ مسابقه جذاب دیگر خواهیم بود.

بعد از انجام بازی های این هفته تیم های حاضر در لالیگا ۱۹ بازی انجام داده اند و این بدان معناست که نیمی از مسابقات فصل را پشت سر گذاشته ایم.

فردا شب دو دیدار همزمان برگزار خواهد شد که یکی از آنها جدال دو تیم پایین جدولی رئال وایادولید و الوچه است که به نوعی جنگ برای بقا نیز محسوب می‌شود. وایادولید می‌داند که باید سریعا از این منطقه جدول جدا شود و از طرف دیگر الوچه نیز بعد از یک شروع خوب و پس

## بواش:

## توان جذب کاستا را نداریم



چیزی را یک شوخی دانستم. او ادامه داد: توان جذب کاستا را نداریم. او سالیانه ۱۶ میلیون یورو حقوق آن هم بدون مالیات دریافت می‌کند و ما توان پرداخت این رقم بسیار بالا را نداریم. کاستا از بهترین مهاجمان جهان است. او اهداف دیگری در سر دارد و باید راهی تیم دیگری شود.

مارسی یکی از تیم های است که اخیرا خبرهای درباره علاقه این تیم به جذب دیگو کاستا به گوش رسید اما ویاش بواش سرمربی تیم اعتراف کرد که این انتقال منتفی است.

بواش گفت: من چند روز پیش یک پیام را از طریق واتساپ دریافت کردم که در آن نوشته شده بود دیگو کاستا دوست دارد راهی مارسی شود. من چنین

سرمربی پرتگالی مارسی اعتراف کرد که تیمش به خاطر دستمزد بسیار بالایی که کاستا می‌خواهد توان جذب این بازیکن را ندارند.

به نقل از اسپورت، دیگو کاستا قراردادش را با اتلتیکو مادرید فسخ کرده است و اکنون بازیکن آزاد است و می‌تواند با هر تیمی وارد مذاکره شود.

## هرگز به کامنت‌ها اهمیت نمی‌دهم اما...

## افشاگری نیمار: می‌خواستم خداحافظی کنم



آمد، اما در طول این سالها مهاجم برزیلی شهرتی در دایو زدن و فریب داور کسب کرده و به شدت مورد انتقاد بوده است.

سبیل انتقادها نیمار را تحت تاثیر قرار داده بود و موجب شده بود که او به خداحافظی زود هنگام از فوتبال فکر کند.

نیمار در این رابطه گفت: «من هرگز علاقه‌ام به فوتبال را از دست نخواهم داد، اما لحظاتی بود که دلم می‌خواست دیگر بازی نکنم. من به جایی رسیدم که از

نیمار، ستاره پاری سن ژرمن، تایید کرده است که در فکر خداحافظی زود هنگام از فوتبال بود!

نیمار به تازگی تایید کرده که در فکر خداحافظی از فوتبال بود، اما آموخت که نفرت پراکنی‌ها را نادیده بگیرد.

ستاره PSG که در طول این سالها تبدیل به چهره‌ای بحث برانگیز در این تیم شده، یکی از گران قیمت ترین بازیکنان جهان است. نیمار در ۲۰۱۷ از بارسلونا به پاریس

رسیده ام و خیلی به خودم می‌بالم که کارهایی که در زمین فوتبال کرده ام قدر می‌بیند و به عنوان یک الگو با من رفتار می‌شود. امیدوارم که باز هم بتوانم شادی و لذت را به فوتبال بیاورم.»

ستاره سابق تیم سانتوس معتقد است که شبکه های اجتماعی کار را برای حمله به او آسان کرده‌اند، اما سعی دارد که نگذارد نظرات دیگران آزارش دهد.

نیمار در این باره گفت: «فکر می‌کنم که شبکه های اجتماعی جایی هستند که مردم می‌توانند بیایند و در زندگی تو دخالت کنند؛ با قضاوت کردن تو، نفرت ورزیدن به تو و حسادت کردن به تو. به همین دلیل است که من هیچوقت کامنت‌های مردم را جدی نمی‌گیرم. دوست ندارم چیزهایی را بخوانم که جالب نیستند و نیازی به خواندنشان نیست.

اما آدم هایی که کنار من هستند، دوستانم، خانواده‌ام و هم تیمی هایم این کامنت ها را می‌خوانند و ناراحت می‌شوند. به همین دلیل این دنیا جای حساسی است. برای مردم خیلی آسان است که بدون اینکه تو را بشناسند راجع به زندگی خصوصی‌ات صحبت کنند.

اما من همیشه به مردم می‌گویم تنها یک راه برای زندگی وجود دارد. از زندگی لذت ببر! شاد باش! همین.»

خودم پرسیدم چرا همچنان به بازی ادامه دهم، وقتی بقیه بازی مرا دوست ندارند؟ من عصبانی و برفروخته به خانه می‌رفتم و بعد همه زحمت هایی را که برای رسیدن به اینجا کشیده بودم، به یاد می‌آوردم. عشقی که به فوتبال داشتم و یاد زحمت‌هایی که کشیده بودم مرا آرام می‌کرد و به واقعیت برمی‌گرداند.

من هیچوقت فشارها را احساس نکردم. کاملا برعکس! با شماره ۱۰ تیم ملی برزیل بودن، شماره ۱۰ تیم PSG و نیمار بودن؛ من آدمی هستم که به راحتی می‌توانم فشارها را مدیریت و تحمل کنم.

من آدم بسیار شجاعی هستم. بزرگترین خصوصیت من شهامت من است. اما سخت است که بگویم مردم در حال حاضر ممکن است در من چه خصوصیتی را ببینند.

وقتی بچه بودم، آسان بود. من همیشه آن پسری بودم که در تمام گروه‌های سنی بالاتر از حد متوسط است، همیشه در بالاترین سطوح بازی می‌کردم و این باعث محبوبیت من در شهر سانتوس شد. آن وقت‌ها آسان تر بود. اما حالا؟ پاسخ دادن به این سوال سخت است چرا که من معتقدم که امروزه در فوتبال تبدیل به یک الگو و نماد شده ام.

حالا من در کنار بهترین بازیکنان جهان هستم، خیلی افتخار می‌کنم که به اینجا

## هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۷۰۰۰ افغانی

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



## ضرورت رسمی سازی تشبثات کوچک و متوسط در اقتصاد کشور

غصنفر احمدی، دانشجوی رشته اقتصاد صنعتی، دانشگاه یزد

است. وزارت مالیه، در سال ۱۳۹۶ اعلام نمود که هر کارآفرین (متشبت) که بخواهد در کشور سرمایه گذاری کند از معافیت مالیاتی سه ساله برخوردار می شود. از همین رو، افغانستان در ۱۳ اپریل ۲۰۱۶، اداره آیسا، یا حمایت از سرمایه گذاری افغانستان، جایزه بهترین مشوق سرمایه گذاری در آسیای میانه را کسب کرد. این جایزه همه ساله جهت جذب و تسهیل سرمایه گذاری (داخلی و خارجی) در حوزه کشوری، که سالانه از سوی امارات متحده عربی به هدف بحث روی مسائل اقتصادی به ویژه سرمایه گذاری در جهان برگزار می گردد، اهدا می شود. از سویی هم نظر به گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۹ افغانستان در بخش سهولت کسب و کار در رده ۱۷۳ از میان ۱۹۰ کشور قرار گرفته است. این در حالی است که نسبت به سال گذشته سقوط ۶ پله ای را تجربه کرده و به گفته مسئولان اتاقهای تجارت و صنایع، در دو سال اخیر به دلیل اوضاع وخیم امنیتی، بخش عمده سرمایه ها نیز از کشور خارج شده است. به گفته این مسئولان، سکتور خصوصی و سرمایه گذاران سالانه ۲۵ درصد درآمدشان را صرف تأمین امنیت خود و خانواده های شان می کنند. در همین حال، آقای پیمان معاون فدراسیون اتاق های افغانستان، روز شنبه ۲۲ قوس، به طلوع نیوز گفته است که «سکتور خصوصی اعم از سرمایه گذار و تاجر منبع خوبی درآمد برای کسانی که آلوده به فساد است، همچنان آدمربان، باجگیران و اخاذی ها، از دولت تا مخالفین مسلح گردیده است».

اکنون سوال این جا است که دولت با وجود ارائه ی هم چون خدمات و تسهیلات مالی و بسته های حمایتی از سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری های کوچک و متوسط، این کمک ها نصیب چه کسانی می شوند؟ پروا مح

هم گزارش نشده است. از همین رو، هیچ آمار دقیق و مستدل از میزان شکست و یا ادامه فعالیت و حیات تشبثات کوچک و متوسط در کشور وجود ندارد.

در گفت و گویی که با تعدادی از متشبتان و کارآفرینان داشتیم، اغلب صاحبان مشاغل و شرکت ها از عمل کرد و حمایت دولت ناراضی بودند. بیشتر مشکلاتشان در حیطه تسهیلات مالی، آب و برق و فضای معیاری و مشکلات مربوط به مالیات و اخاذی بودند. آن ها یادآور شدند که دولت فقط زمانی از ما سر می زند که بخواهد مالیات اخذ کند. به طور نمونه، شهرک صنعتی ارغندی کابل که اخیرا گشایش یافته است، برق نوبتی دارد که اکثر شرکت های مستقر در این محل از جنراتورهای شخصی استفاده می کنند. شاید این عمده ترین دلیلی باشد که اغلب تشبثات و کسبه کاران کشور نمی خواهند کسب و کارهای شان را راجستر کنند؛ زیرا برنامه های حمایتی و مزایایی که دولت مدنظر می گیرد برای همه سهل و قابل دسترس نمی باشد. بدین سان، به طور غیر رسمی و به دور از چشم قانون و معیارهای پذیرفته شده ملی و بین المللی به فعالیت شان ادامه می دهند. تعدادی از این کارآفرینان، بیان داشتند که به دلیل عدم حمایت های رسمی و جلوگیری از اخاذی ها و مالیات، آنان شرکت های شان را ثبت نموده و مجوز اخذ نمی نمایند و بعد از مدت کوتاه عدم فعالیت جواز شان را اعلام می دارند، اما در واقع به فعالیت کسب و کارشان ادامه می دهند.

طبق گزارش های دولت افغانستان و وزارت های سکتوری، دولت بیشترین مشوق ها را برای حمایت از سرمایه گذاری و کسب و کارهای کوچک و نوپا را در کشور داشته است. فضای مناسب و ایجاد پارک های صنعتی، اعطای تسهیلات مالی و قرضه، کاهش هزینه آب و برق، مشوق های مالیاتی، در نظر گرفته شده

تشبثات کوچک و متوسط (Small and Medium-Sized Enterprises) (SMEs) به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی در سرتاسر جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوپا، مطرح شده است. تجارب نشان داده است که تشبثات کوچک و متوسط از مهارت بالای برخوردار نیست و نیاز به سرمایه ی کمتر و تکنولوژی پایین تری دارند و از آن جایی که افغانستان با کمبود سرمایه و افراد متخصص و آموزش دیده ی کمتری در این حیطه مواجه است، تشبثات و سرمایه گذاری های کوچک و متوسط، بهترین راه کار برای ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی در کشور پنداشته می شود. زیرا تناسب و فاکتورهای محلی نظیر کمبود سرمایه، مهارت پایین نیروی انسانی، مواد خام و سایر دسترسی به امکانات مورد نیاز را تسهیل می کند. در افغانستان ۸۵ درصد محیط کسب و کارها را تشبثات کوچک و متوسط تشکیل می دهد که نصف تولید ناخالص داخلی و بیشتر از ۱/۳ نیروی کار را در خود جذب کرده است. اما طبق گزارش های رسمی، حدود ۷۰ الی ۸۰ درصد این کسب و کارها در کشور به طور غیر رسمی در محیط های بیرون شهری و بدون مجوز و ثبت قانونی، فعالیت دارند.

لذا افغانستان تنها کشوری است که بیشترین فعالیت مشاغل خانگی و تشبثات غیر رسمی کوچک و متوسط، در آن وجود دارد که اغلب آن ها به تجارت یا عرضه کالاها و خدمات ساده مشغول اند. تا هنوز هیچ آمار رسمی و مشخص از تعداد تشبثات و شرکت های تولیدی وجود ندارد. جالب است که در تمام گزارش های وزارت های سکتوری، نظیر وزارت تجارت و صنعت، وزارت اقتصاد و وزارت مالیه، همچنان اداره آیسا، آمار از تعداد اصناف و تشبثات کوچک و متوسط که ثبت رسمی دولت باشد

خواستار شده به طور اوسط حدود ۱۲۰ درصد از مقدار قرضه دریافتی می باشد. با توجه به وضعیت فوق الذکر و شرایط بلند بالای تسهیلات اعطایی، رسمی سازی تشبثات کوچک و متوسط دشوار باقی خواهد ماند و روند فعالیت های غیر رسمی تشبثات آسیب های فراوانی بر پیکر اقتصاد نوپای افغانستان وارد خواهد آورد. لازمی می شود که تشبثات کوچک و متوسط، و شرکت های تولیدی مستلزم حمایت های همه جانبه می باشد. آسان سازی دسترسی به منابع مالی و قرضه ها، ایجاد فضای مناسب پارک های صنعتی، وجود مداوم آب و برق، مواد خام، تسهیل واردات ماشین آلات و تجهیزات سرمایه ای، زیرساخت های ترانسپورتی و سایر بسته های حمایتی همگانی، تشبثات و سرمایه گذاری های صنعتی را می توان از حاشیه ها به مکان های رسمی آورده و فعالیت های غیر معیاری و غیر رسمی آنان را قانونمند ساخت. توسط رسمی سازی این تشبثات و مشاغل می توان به تأمین و تولید کالاهای مورد نیاز صنعتی، ایجاد اشتغال و حمایت از نیروی کار و رشد اقتصادی را مقدور ساخت.

است که افغانستان از نگاه فساد اداری در صدر لیست کشورهای فاسد دنیا قرار دارد، مشکلات قومی و سمتی در امر توسعه متوازن در کشور به قوت خود باقی است. بنابراین، مشاهده شده است که اغلب از این بسته های حمایتی و مشوق های سرمایه گذاری نصیب کسانی می شوند که پارتی حکومتی یا نفوذ سیاسی و اقتصادی بالا داشته باشند. همین طور، فرایند طولانی اختصاص قرضه و بروکراسی اداری، کارآفرینان را مأیوس می کنند، و این به درصد و رشکستگی بیشتر تشبثات منجر می شود. بر اساس گزارش سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD، ۲۰۱۹)، اکثریت تشبثات از نرخ بالای سود و شرایط دست و پاگیر تضمین قرضه به عنوان باز دارنده های عمده یاد نمودند. زیرا هر کسی شرایط اخذ قرضه را به دلایل مسأله تضمین (وثیقه) و بازپرداخت آن و نرخ سود بالا (۱۵ درصد و در برخی موارد تا ۲۵ درصد) و مدت زمان کوتاه قرضه ها (۶ ماه تا ۳ سال) را ندارند. با توجه به این که ارزش ضمانت یا وثیقه بالاتر از مقدار قرضه ای است که از سوی بانکها داده می شود، لذا کارآفرینان قادر به واگذاری آن نمی باشند. بر اساس اطلاعات «د افغانستان بانک» تضمین

### طنز

## انواع نود و پنجگانه ی صلح

سخیداد هاتف



چاره ای نیست و شما حتما باید بکشید؟ آنان پاسخ می دهند بلی، لطفا این مشکل ما را در نظر داشته باشید. اگر معنای صلح این باشد که ما دیگر نکشیم، نمی شود دیگر. حکومت خوب که فکر می کند به این نتیجه می رسد که صلح قیمت دارد و قیمتش باید پرداخته شود و حتا یک بیت به یادش می آید که نیش عقرب نه از پی کین است/ مقتضای طبیعتش

به برادران مخالف می گوید که زمانه تغییر کرده و عصر حقوق بشر و آزادی بیان و فلان و بهمان است و شما نباید به محضی که وارد قدرت شدید (هرچند حالا هم آدمهای تان در همه جای حکومت هستند) شروع کنید به زدن و کندن و بستن و کشتن. برادران مخالف می گویند خوب، چه کار کنیم؟ ما کارمان این است. حکومت به برادران می گوید یعنی هیچ

صلح نیز مثل دیگر پدیده های جهان انواع و اقسام دارد و ای برادر تو چه دانی که آن انواع و اقسام چیست. چند رقمش را اخیرا رییس جمهور مملکت ما برشمرد. این هم چهار نوع دیگرش:

### صلح ساده

صلح ساده یعنی این که برادران مومن آن طرف می آیند و برادران بی ایمان این طرف همه چیز را می گذارند و پایتخت و شهرها و روستاها را به آن برادران مومن تسلیم می کنند. شب که می خوابید جمهوری اسلامی افغانستان است؛ صبح که از خواب می خیزید از همه جا آهنگ بدون موسیقی برادران امارت پخش می شود و کوچه و بازار پر شده از سیدی شکسته و تلویزیون افسرده. البته برادران مومن هزار هزار مردم را می برند و ذبح شرعی می کنند که چیز غریبی نیست. شرکانه ی صلح را چنان قربانیانی باید. نشنیدید که رییس و معاون مملکت اصرار دارند که صلح قیمت دارد و قیمتش را باید نقدا یا جانا و مالا و کشورا پرداخت.

### صلح پیچیده

در صلح پیچیده حکومت دموکراتیک مرکزی، که همین جمهوری اسلامی افغانستان باشد،

که دعای این یازده نفر برای صلح پایدار نوعی تهدید آمیخته با لیخنه است. یعنی مدتی است خرج دست خوان ما از کد ۹۱ نمی رسد؛ خدا خیرتان را پیش کند.

### صلح آینده نگرانه

در این نوع صلح عجله ای برای تعامل با برادران مخالف وجود ندارد. منطقتش این است: عزیزان دوتابعیت های که قربانی ها دادند (یعنی تا حالا صدها بار در حمام های تنگ خانه های کابل شاور گرفتند) با آن آب نیمه گرم در زمستان های وطن، باید از آمدن صلح سودی ببرند. حق شان است. اخلاقا، کسانی که چنان قربانی هایی می دهند مستحق هستند که پس از آمدن صلح - یعنی پس از برقراری امارت اسلامی و فرار از میهن - حداقل سه چهار ویلا در مالمو و واشنگتن و پاریس و لندن ایتباع نمایند. به همین خاطر، در صلح آینده نگرانه باید به این گروه فرصت داده شود تا نتیجه ی قراردادهای خود در زمینه ی توسعه ی متوازن کشور را ببینند. این طوری هم کمک های بین المللی برای توسعه ی اقتصادی متوازن کشور به مصرف می رسند و هم این هموطنان قربانی از سهم عادلانه ی خود از صلح برخوردار می شوند. انواع دیگرش را بعدا خدمت تان شرح می دهیم.

### صلح دوازده-ضلعی

یک نوع دیگر صلح، صلح چندضلعی است. معمولا بین دوازده تا چهارده ضلع دارد. این نوع صلح با آن که اضلاع زیادی دارد، از نوع صلح پیچیده نیست. چرا که در آن هیچ ابهامی وجود ندارد و شرکای دوازده گانه ی پروژه خیلی واضح می گویند: سهم ما را بدهید، آن وقت بر پدرتان لعنت که صلح می کنید، جنگ می کنید یا هر چیز هضم شده ای که می خورید. البته این شرکا ادب دارند و از این فحش ها نمی دهند. ولی منظورشان همین است. مثلا: یکی از این شرکا می گوید که اگر خواهرزاده اش، همان ماستر رشته ی پابلیک ریلیشن از دانشگاه راجایانتامانداهارای هند، در گوآتیمالا سفیر مقرر نشود، وی از پروسه ی صلح خارج خواهد شد. یازده نفر دیگر هم هستند که تمام جلسات شان با دعای خیر برای ملت افغانستان و صلح پایدار ختم می شود. مفسران معتقدند